

## مختصری راجع به تاریخچه و اهمیت روز جهانی کارگر

جوآنمیر مرادی

هفتم اردیبهشت ماه هشتاد و هفت

با ظهور نظام سرمایه داری و تفوق سیستم کسب سود ناشی از استثمار نیروی کار، نیروی کار فراوان آزاد شده از یوغ ارباب ده که به جستجوی کار آواره شهر شده بودند مستعد و آماده انجام کار با بیشترین فشار و کمترین مزد بودند این کارگران کاملاً از نظر طبقاتی بی شکل و سازمان و منفرد بودند و به همین علت فرصت مناسبی برای صاحب کاران فراهم شده بود تا کارگران را بی هیچ گونه محدودیتی به کار وادارند. کارگران ناچار بودند با ساعات کارهای ۱۶، ۱۸، ۲۰ و حتی ۲۴ ساعته کار کنند و در مقابل تنها آنقدر مزد می گرفتند تا تجدید قوا کند و فردا دوباره سرکار بیایند. این روند برای دهه ها و در جاهائی حتی بیشتر، بر گرده کارگران سنگینی کرد. اما شرایط وحشتناک معیشتی کارگران و ساعات کار طولانی و کشنده رفته رفته تاب تحمل بیشتر از آن حد را از کارگران گرفت و نطفه های اعتراض و مقابله با اوضاع تحمیل شده که از بدو شکل گیری کار مزدی شکل گرفته بود شروع به نمو کرد. برای اولین بار مطابق تاریخ ثبت شده مبارزات کارگران برای کاهش ساعت کار به ۱۰ ساعت در روز مبارزه کارگران صنف نجار در فیلادلفیا سال ۱۷۹۱ ثبت شده است. مبارزه کارگران برای کاهش ساعت کار و افزایش دستمزد بیشتر از ۵۰ سال طول کشید تا در سالهای اول نیمه دوم قرن ۱۹ به نتیجه رسید و رسماً ساعت کار ۱۰ ساعته در امریکا تثبیت گردید. کارگران امریکا بعد از کسب موفقیت تثبیت ساعت کار ۱۰ ساعت در روز مصمم تر به مبارزه برای کاهش بیشتر ساعت کار به مبارزاتشان ادامه دادند. نقش کارل مارکس رهبر جهانی طبقه کارگر که در آن زمان با رهبران اتحادیه های کارگری امریکا رابطه ای بسیار نزدیک داشت و همچنین با ایجاد انترناسیونال کارگری (هستگی بین المللی کارگری) در هدایت و کمک به مبارزات کارگران برای کاهش ساعت کار بسیار حیاتی بود. قطعنامه ای که مارکس مطالبه ساعت کار ۸ ساعته کارگران امریکا را در آن تأکید کرده بود توسط انترناسیونال به مطالبه کارگران جهان تبدیل و به تصویب رسید، آن قطعنامه به مصوبه اتحادیه کارگری مرکزی امریکا تبدیل گشت و در نتیجه در سال ۱۸۶۸ در خیلی از مراکز امریکا ۸ ساعت کار در روز به اجراء درآمد. سالها بعد در روز اول مه ۱۸۸۶ راهپیمائیهای وسیعی در اکثر شهرهای امریکا با خواست روز کار ۸ ساعته براه افتاد. دوزخ بعد واقعه تلخی روی می دهد، در روز ۳ مه هزاران کارگر کارخانه چوب بری شهر شیکاگو بعد از آنکه کارفرما زیر تعهد خود می زند در مقابل کارخانه برای اجرای ساعت کار ۸ ساعته تجمع میکنند، کارفرما تعدادی کارگر اعتصاب شکن را می آورد تا تولید را ادامه دهد که با اعتراض کارگران اعتصابی مواجه می شوند در این هنگام پلیس به روی کارگران تیراندازی می کند و در نتیجه شش نفر کشته می شوند. روز بعد به فراخوان سپایز (یکی از رهبران کارگری) و به پیرو او اتحادیه های کارگری هزاران کارگر در مرکز شهر تجمع می کنند. در این تجمع شهردار نیز حضور داشت اما بعد از آنکه شهردار طبق برنامه قبلی مخفیانه جمعیت را ترک می کند. پلیس برای متفرق کردن تعداد کمی از تجمع کنندگان که در محل باقی مانده بودند به دخالت می پردازد که با مخالفت کارگران مواجه می شود، در این حین بمبی به میان افراد پلیس پرتاب می شود و در نتیجه چند پلیس کشته می شوند، به

این بهانه پلیس جمعیت را به گلوله می بندد که منجر به کشته شدن تعدادی از کارگران می شود. روز بعد تعدادی را دستگیر می کنند و بعد از مدتی نزدیک به یک سال حکم اعدام ۷ نفر از رهبران کارگران را صادر می کنند (آگوست سپایز، جورج انگل، لوئی لینگ، آلبرت پارسونز، آدلف فیشر، سموئل فیلدن و مایکل شواب) و اسکار نیب را هم به ۱۵ سال زندان محکوم می کنند. بعد از دادگاه حکم اعدام سموئل فیلدن و مایکل شواب را به زندان تقلیل می دهد و بقیه را نوامبر ۱۸۸۷ به داری می آویزند. به منظور گرامیداشت یاد جانباختگان ماه مه ۸۶ و راه انداختن مبارزه جهانی برای رسیدن به خواست ۸ ساعت کار انترناسیونال دوم بعد از اطلاع از قصد کارگران امریکا برای راهپیمایی در روز اول ماه مه ۱۸۹۰ تصمیم گرفت این روز را برای مطالبه روز کار ۸ ساعته تعیین کند اما بعد از آن به دلیل اهمیت آن در ایجاد همبستگی میان کارگران سراسر جهان هر ساله تکرار گردید و اکنون به روزی جهانی برای پیوند مبارزات طبقه کارگر تبدیل شده و ارج نهاده می شود.

روز جهانی کارگر بیش از یک قرن است که در سراسر دنیا توسط کارگران جشن گرفته و گرامی داشته می شود. شاید این سؤال برای خیلی ها پیش آید که سالروز کشته شدن تعدادی کارگر مبارز چرا باید بهانه جشن و شادی باشد؟ مگر مرگ و نیستی مایه شاد نیست؟ جواب خیلی ساده است، کشته شدن کارگران معترض در جریان مبارزه برای کاهش ساعت کار و افزایش دستمزد به هیچ وجه مایه خوشحالی و مسرت هیچ انسان شرافتمندی نیست، مگر برای دولتهای مدافع نظام سرمایه داری و پلیسهائی که به صف کارگرانی مانند کارگران امریکا در سال ۱۸۸۶ آتش گشودند و به خاک و خونشان کشیدند، اما اهمیت آن روز فراموش نشدنی برای طبقه کارگر از جهتی دیگر است، از آن جهت که نقطه شروعی شد تا کارگران در هر گوشه جهان به هم سرنوشت بودن خود با کارگران در جاهای دیگر و اهمیت با هم بودن و همبستگی جهانی در مبارزه با کل نظام های سرمایه داری پی ببرند و خود را امروز در پیوندی تنگ ناگسستنی ببینند. این روز را باید جشن گرفت، چون کارگران امریکا با مبارزات سرسختانه خود طی دهه ها توانستند سرمایه داری را در چنین روزی به زانو در آورند و ضربه کاری را برای تحمیل روز کار ۸ ساعته در این روز به سرمایه داری وارد آورند. بیش از صد سال است از واقعه اول مه می گذرد اما گوئی زمان کمی گذشته است، سرمایه داری هنوز در خیلی جاها سرسختانه در مقابل ۸ ساعت کار در روز ایستاده و روز کارهای بالای ۱۴ ساعت را اعمال می کند، علاوه بر آن در کشورهای غربی مطالبه کاهش ساعت کار هنوز تازه و موضوع روز طبقه کارگر است، در آن کشورها کارگران خواهان کاهش ساعت کار به ۵ ساعت در روز هستند. اول مه با خواست کاهش ساعت کار شکل گرفت اما ادامه آن محدود به همان نشد، کارگران در طول بیش از صد سال هر ساله قطعنامه های جدیدی با مضمون و خواسته های جدید در روز جهانی کارگر به خیابان می آیند و سرمایه داری را به محاکمه کشند. از مطالبه بیمه های بیکاری و اجتماعی، حقوق برابر زنان با مردان، ممنوعیت کار کودکان و ..... گرفته تا حق ایجاد تشکلهای اتحادیه های کارگری، مبارزه با تبعیضات قومی، جنسی، ملی و مذهبی و مبارزه برای آزادیهای سیاسی و اجتماعی و دست یابی به زندگی متمدنانه و مرفه و حق دخالت در اداره جامعه و تعیین نوع دولت، طبقه کارگر در قطعنامه های خود در اول مه هر ساله بر آنها تأکید داشته است. این دست آوردها هستند که برای طبقه کارگر شادی آور و سرفراز کننده اند و باید جشن گرفته شوند.

روز جهانی کارگر میراثی است مانند همه دست آوردهای دیگر طبقه کارگر در مقابل سرمایه داری که متعلق به کلیه کارگران سراسر جهان و از آنجمله کارگران ایران است. این روز باید توسط ما کارگران در ایران همزمان با کارگران

نقاط دیگر دنیا جشن گرفته شود و با حضور گسترده در خیابانها حلقه ناگسستی خود را با زنجیره اتحاد و همبستگی جهانی طبقه کارگر به نمایش گذاریم. برگزاری مراسم روز جهانی کارگر و حضور در آن حق بی چون و چرای هر کارگریست. امروز با جهانی شدن نظام سرمایه داری و منافع سرمایه داران در کشورهای مختلف کارگران کشورهای مختلف نیز حقوق و منافعشان جهانی و یکی شده است. منافع کارگران با یکدیگر از چنان پیوند عمیقی برخوردار است که پایمال شدن حقوق هر کارگریا مجموعه ای از کارگران در هر نقطه دنیا پیکار و اعتراضات جهانی توسط کارگران را برآه می اندازد. نمونه این پیکارهای جهانی در مدت دو سال گذشته برای حمایت از مبارزات کارگران ایران با برجستگی بیشتر به نمایش گذاشته شده است.

امروز ما می توانیم و حق داریم با اتکا به حمایتهای جهانی ای که از سوی هم طبقه ایهایمان صورت می گیرد مطالبات انسانی خود را با صدای رسا اعلام داریم. یکی از روزهای مهم و مناسبتهاى مؤثر برای بیان خواسته های کارگران و از جمله ما کارگران ایران روز جهانی کارگر است. اول ماه مه (دوازدهم اردیبهشت) روز جهانی کارگر متعلق به کارگران است و کارگران حق دارند به هر شیوه ای و هر کجا که می خواهند مراسم برگزار کنند.

## **زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر**

جوانمیر مرادی ۱۳۸۷/۱/۳۰